

عجیب ترین مادر جهان همراه با سه دخترش

ساعت عجیب تولد ۳ دختر لوری دیرسلی تعجب پزشکان را برانگیخته است. هر سه فرزند این زن دقیقاً در ساعت ۷:۴۳ دقیقه متولد شده‌اند!

به اعتقاد کارشناسان این اتفاق بسیار نادر است و از هر یک میلیون مورد در سراسر جهان، فقط یکی ممکن است به این حالت شبیه باشد. بزرگترین فرزند لوری به نام الادر تاریخ ۱۰ اکتبر سال ۲۰۰۵ و



دقیقاً در ساعت ۷:۴۳ دقیقه متولد شد.

فرزند دوم او نیز که اوی نام دارد، باز هم درست در همین ساعت در سال ۲۰۰۷ به دنیا آمد.

سرانجام آخرین کودک او هم به نام هریسون دو سال بعد در همین ساعت پا به این دنیا گذاشت.

نکته جالب این است که پرستاران بیمارستان می‌دانستند ۲ فرزند قبلی این زن درست در یک ساعت خاص متولد شده بودند.

به همین دلیل بی‌صبرانه منتظر بودند تا زمان تولد آخرین فرزند را ببینند. اما در نهایت شگفتی سومین کودک هم درست سر وقت در شهر منچستر انگلستان به دنیا آمد.



صندلی را به یک موزه‌ی محلی اهدا کرد. موزه هم برای پرهیز از رخدادهای مشابه، صندلی را در فاصله‌ی ۵ پایی از سطح زمین آویزان کرده و به هیچ کس فرصت نداد تا حتی سهواً و به صورت اتفاقی تماسی با آن داشته باشد. خوشبختانه به لطف این دوراندیشی بالاخره صندلی آرام گرفته و دست از کشت و کشتار برداشت.

فانوسهای تسخیر شده و معروف جهان

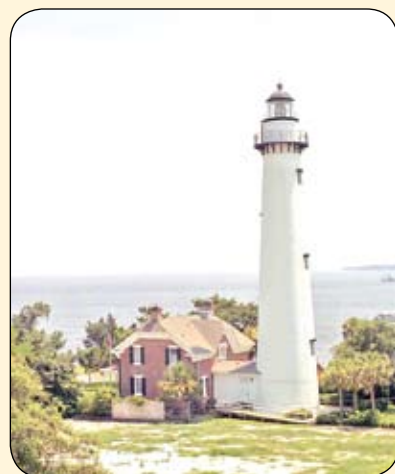
فانوس دریایی «Seul Choix»، کالیفور



این فانوس دریایی زیبا که از دیدی رویایی رو به دریاچه‌ی میشیگان بهره‌مند است، در سال ۱۸۹۲ فعالیت خود را آغاز کرد. گفته می‌شود که روح یکی از نگهبانان این فانوس به نام کاپیتان "ژوزف تاوونند (Joseph Townsend)" این فانوس را به تسخیر خود در آورده است. این روزها بنای این فانوس به موزه تغییر کاربری داده، اما تغییری در وضعیت عجیب آن رخ نداده است. ظاهراً در اوایل دهه‌ی ۱۹۰۰ این کاپیتان در خانه نگهبانی جان سپرد، اما به دلیل شرایط اقلیمی ناشی از زمستانی سخت، کسی قادر به دفن کردن جسد او نبود، به همین خاطر جسد او در زیرزمین قرار داده شد. شاید به دلیل مصائبی که جسد او ناگزیر از تحملش بوده، روحش اکنون مایل به ترک این بنا نیست. بازدیدکنندگان و کارمندان موزه از استنشام رایحه‌ی تند سیگار صحبت کرده‌اند، ظاهراً کاپیتان تاوونند یک سیگاری به تمام معنا بوده است. همچنین کارمندان با حوادث عجیبی مثل جابجا شدن اسباب و اثاثیه و لوازم آشپزخانه نیز مواجه بوده‌اند و حتی گروهی می‌گویند که مردی را مشاهده کردند که از بین پنجره‌ها سرک می‌کشیده است. این موزه تورهای روزانه‌ای را در اواسط ماه اکتبر برگزار می‌کند.

فانوس «سنت سیمونز»، جزیره سنت سیمونز، جورجیا

بر فراز امواج پرتلاطم دریا و در بخش جنوبی جزیره سیمونز، این فانوس دریایی در خلوت خود آرمیده است. اما ظاهراً این سکوت هنوز هم گاهی با بازتاب خونی بر زمین ریخته شده، شکسته می‌شود. ظاهراً در سال ۱۸۸۰ یک بحث و مجادله‌ی ساده بین سرنگهبان فانوس دریایی «فردریک ازبورن» و دستارش «جان استیونس» با شلیک



گلوله و مرگ فردریک به خون نشست. این فانوس اما مدت‌ها پس از این حادثه‌ی تلخ همچنان به کارش ادامه داد، اما افسانه‌ها می‌گویند که هنوز هم در این حوالی و در تاریکی شب می‌توان صدای پای فردریک را شنید که در برج خالی و محوطه‌ی پیرامون آن طنین انداز می‌شود. در طول سالیانی که گذشت بسیاری ادعا

کرده‌اند که این صدا را به گوش خود شنیده‌اند. در واقع پلکان ۱۲۹ پله‌ای برج این فانوس، هر مشتاق دنیای گردشگری وحشت را به سمت خود جلب می‌کند و چه کسی می‌داند که در کدامین پله، ممکن است با روح فردریک مرحوم مواجه شد؟

فانوس دریایی پوینت سور (Point Sur)، بیگ سور (Big Sur)، کالیفرنیا

آیا کسی هست که دوست نداشته باشد تعطیلاتی رویایی را در مکانی دوست داشتنی بگذرانند؟ شاید همین مسئله علت حضور روح نجیب‌زاده‌ای ملبس به یونیفورم نگهبانان فانوس قرن نوزدهم را توضیح دهد. امری که باعث



جذب بازدیدکنندگان به این منطقه شده است. این فانوس دریایی برفراز صخره‌ای آتش فشانی و بزرگ ساخته شده و از دیدی خوب رو به سمت منطقه رویایی "بیگ سور"

سور برخوردار است. بازدیدکنندگان می‌توانند با تورهای برنامه‌ریزی شده به تماشای این فانوس بروند که در تمام طول سال و در روزهای آخر هفته برگزار می‌شوند. اما برای آن دسته که به دنبال تجربه‌ی ترس و وحشت هستند، تورهای شبانه موسوم به مهتاب تهیه و تدارک دیده شده که گشت و گذاری مهیج‌تر را در اختیار افراد قرار می‌دهد.

این ده شی تسخیر شده هر کدام ماجرای متفاوت، ترسناک و البته هیجان‌انگیز داشتند. ماجرای که نه می‌توان با قاطعیت آن را پذیرفت و نه می‌توان بی‌اعتنا از کنار حوادثی که آفریدند، عبور کرد. در نهایت این داستان‌ها چه جنبه‌ی واقعیت داشته باشند و چه تنها از باورهای مردم محلی و خرافات سرچشمه گرفته باشند، به جذب گردشگران محلی و خارجی منجر شده‌اند. راستی اگر شما فرصت بازدید از آنها را پیدا می‌کردید، چه کاری انجام می‌دادید؟ آیا دوست داشتید آنابل را برای لحظاتی در دست خود نگه دارید؟ جرأت داشتید روی صندلی‌های نفرین شده بنشینید یا حاضر بودید تابلوی تسخیر شده را به دیوار اتاقتان بیاویزید؟ در نهایت شما تا چه حد این داستان‌ها و حقایق این اشیا را باور دارید؟